

مباحث سی و سومین گردهمایی مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه

موضوع: نقش دانشگاه‌ها در مدیریت بحران‌های ملی - مسأله آب

سفرانی آقای دکتر ممد فاضلی - نقش دانشگاه‌ها در مدیریت بحران‌های ملی - مسأله آب

موضوع بحث امروز ما، مسئولیت‌های دانشگاه در مدیریت مسأله آب است. من تاکید دارم به جای "بحران" از واژه "مسأله" استفاده کنم. زیرا بحران، وضعیتی است که به طور موقت رخ می‌دهد و پس از یک مدت، پایان پیدا می‌کند. نظیر بحران زلزله و ... اما "مسأله‌ها" اینگونه نیستند. مانند مسأله اعتیاد که چندین دهه است همراه ماست. مسأله آب نیز از چندین سال پیش برای کشور ما، مسأله بوده و وضعیتی نیست که پایان پیدا کند و با ما خواهد بود. جنس مدیریت مسأله‌ها تحت تاثیر ماهیت مسأله است. جنس مسأله آب، تعیین کننده نوع مواجهه دانشگاه با این مسأله است. مسأله آب، خصوصیات ساده‌ای دارد که می‌تواند اثر عمیقی بر ماهیت مواجهه‌ای که ما با آن‌ها داریم بگذارد. چند مورد از این خصوصیات به شرح زیر بیان می‌گردد:

۱- مسأله آب، تاریخی است و در دراز مدت به وجود آمده است.

۲- مسأله آب، چند علتی است.

۳- مسأله آب، بدخیم است. وقتی مسأله‌ای بدخیم است، حداقل دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

الف) صورت مسأله تعریف مشخصی ندارد. به طور مثال کشاورزها، یک روایت دارند، کسانی که سازه‌های آبی را می‌سازند یک روایت دارند و کسانی که علوم اجتماعی خوانده‌اند، یک روایت دارند و...

مسأله روایت کردن این افراد، تابع حل مسأله‌شان نیز هست. یعنی هر یک از این افراد، در ذهنشان یک راه حل دارند، وقتی مسأله را با آن راه حل می‌سنجند، مسأله را به شکل دیگری تعریف می‌کنند.

ب) تسری به عرصه‌های دیگر: مسأله وقتی بدخیم است، به سرعت به عرصه‌های دیگر تسری پیدا می‌کند. به طور مثال، شما روی بخش کشاورزی، تاکید می‌کنید، اما بعد متوجه می‌شوید که کشاورزی به مسأله آب و انرژی ربط پیدا میکند، انرژی به مسأله هزینه‌ها و رایانه‌ها ربط دارد، رایانه‌ها و هزینه‌های انرژی به سیاست و حوزه اقتصاد سیاسی ربط پیدا می‌کند و ... و مسأله به سرعت گسترش پیدا میکند.

ج) مسأله عمیقاً نیازمند مشارکت همه ذی‌نفعان است. شما مسأله آب را نمی‌توانید در پستوها، زیرزمین و در آزمایشگاه‌ها و غیره حل کنید. جنس مسأله آب روی زمین و در معرض دید همگان است و با زندگی هر روزه همگان درگیر است. ما در ایران حداقل دو کالا داریم که اگر از شعر سعدی بخواهیم وام بگیریم، ممد حیات و مفرح ذات

هستند و آن دو، آب و برق هستند که نمی توان آن ها را از زندگی حذف کرد. بنابراین ما با همه بخش ها درگیریم و نمی توانیم مسأله آب را بدون مشارکت همگان حل کنیم.

د) مسأله ای که جنس آن بدخیم است، اصلاً حل نمی شود. یعنی راه حل قطعی وجود ندارد. مسائلی از جنس صلح، تروریسم، آب، اعتیاد و ... همواره فقط تعدیل (Resolution) داریم. هیچ وقت اعتیاد، طلاق، خودکشی از تاریخ بشر حذف نمی شود. همچنین مسأله آب هیچ گاه از دستور کار بشر حل نمی شود. مسأله یا اوج میگیرد یا کاهش می یابد و قابل کنترل می شود. بنابراین تعارضات بشری (Conflict)، جنسشان از جنس حل دائمی نیست.

۴- جنس مسأله آب به شدت تحت تأثیر زمان است. یعنی زمان در تعیین مسأله، نوع مواجهه با آن و کار هایی که برایش انجام می دهید تأثیر دارد.

۵- آب عمیقاً با مسأله اعتماد درگیر است، مسأله اعتماد، فوق العاده اهمیت دارد. فرض کنید شما میخواهید به مردم بگویید ما قرار است تعرفه آب را افزایش دهیم. شما باید شدیداً اعتماد مردم را جلب کنید.

۶- مسأله آب، به شدت نسلی است و در نسل های مختلف، تأثیر متفاوتی می گذارد. میخواهیم ببینیم این ویژگی هایی که برای مسأله آب برمی شمیریم، چطور در برنامه ریزی راهبردی دانشگاه و طراحی راهبردهای دانشگاه اثر می گذارد.

وقتی می گوئیم مسأله آب تاریخی است، یعنی مسأله آب، در ایران محصول ۱۰ سال و ۲۰ سال گذشته نیست- مسأله آب حداقل ۶۰ سال سابقه دارد.

ما واژه ای را کمتر در نظام دانشگاهی به کار بردیم تحت عنوان "تاریخ آب". وقتی می گوئیم "تاریخ آب" منظور وقایع نگاری رخداد های آبی نیست، بلکه مفروض ما این است که مسأله آب در ایران در تعامل بین نیرو های اجتماعی است. یعنی اصلاحات ارضی در ایران اتفاق افتاده است و موتور پمپی وارد ایران شده است که توانسته است تا عمق ۵۰-۴۰ متری، آب بیرون بکشد، در حالی که تا قبل از آن فقط میتوانستیم با چاه دستی آب بکشیم. در فقه سنتی ما، چاه دستی یک تعریف داشته و بعد وقتی آمدیم وارد چاه عمیق شدیم، مفهوم چاه دستی و چاه عمیق، در نظام حقوقی ما تعریف نشده است. به لحاظ سیاسی، دولت ها میخواستند مستقل شوند. دولت ها میخواستند وارد مناقشات خارجی شوند، بنابراین به امنیت داخلی احتیاج داشتند و به لحاظ نیروهای اجتماعی که محیط زیست را جدی می گرفتند، یک تحولاتی نیاز بوده که به وجود نیامده. نتیجتاً ما در یک کلافی از درهم پیچیده شدن محصولات سیاسی، ایدئولوژی، تکنولوژی، خودکفایی و تنش بین الملل در یک بازه ۶۰-۵۰ ساله، به مسأله آب امروزی رسیدیم. ما اگر نتوانیم جزئیات این کلاف و هر گره آن را در یک چارچوب تاریخی ببینیم، از نظر من در نظام آموزشی، ما یک تاریخ هیدرولیک هم خواهیم داشت. یک تاریخ فناوری آب هم خواهیم داشت. تاریخ سیاست آب هم خواهیم داشت.

(History of Water Policy). این موضوع، وضعیت رشته تاریخ را در دانشگاه تربیت مدرس، نسبت به گذشته اش تغییر خواهد داد. نکته بعدی اینکه کنار هم قرار گرفتن تاریخ آب، یعنی بعد زمانی و اجتماعی مسأله، در کنار چند رشتگی مسأله آب. یعنی ما یک بعد زمانی داریم که در تاریخ حرکت می کنیم و یک بعد گستره داریم که آب را در رشته تاریخ، هیدرولوژی، مهندسی منابع آب، جامعه شناسی، فلسفه و در جاهای دیگر می بینیم. این ترکیب و فضای دو بعدی یک بعد زمانی دارد و یک بعد گستردگی. یک دستور کار جدید را تعریف می کند که اتفاقاً می تواند برای گروه های آموزشی معنادار باشد. به نظر من این دستورکار حداقل دو بعد دارد: بعد اول، این است که تاریخ، جامعه شناسی و حقوق می آیند کنار رشته هایی قرار می گیرند که بطور سنتی، مسؤل آب، محسوب می شوند. مثل هیدرولوژی و هواشناسی و زمین شناسی و اقلیم شناسی. این ترکیب هم صرفاً کنار هم قرار گرفتن و مخلوط شدن نیست مثل آب و روغن، بلکه ترکیبی است مثل H_2O که دو واحد هیدروژن و یک واحد اکسیژن، محصول جدید خلق می کند. بنابراین از دل آن رشته هایی مثل اکولوژی اجتماعی بیرون می آید. مثل هیدرولوژی اجتماعی، مثل Water Diplomacy، مثل History Of Water.

بعد دوم این است که معنی میان رشته ای در بحث آب یک معنای دیگر هم پیدا می کند، یعنی باید ساختار درس ها را بازنگری کنیم، رشته ها، تخصیص بودجه های پژوهشی، جایابی رشته ها درون برنامه های پژوهشی (Research Program) و ...

دانشجوی جامعه شناسی که می خواهد روی آب کار کند، حتماً بایستی چند واحد هیدرولوژی، مدیریت حوزه آبریز و ... بخواند. به همین نسبت دانشجوی رشته منابع آب هم که می خواهد بر مسأله آب متمرکز شود، باید حتماً واحد هایی در حوزه تاریخ، علوم سیاسی و اقتصاد سیاسی بگذراند و این ترکیب پدید بیاید.

مسأله آب، به شدت محلی است، یعنی نوع کشت، الگوی کشت و الگوهای فرهنگی، همه روی مسأله آب اثر می گذارند. به این ترتیب دانشگاه تان را محلی تعریف می کنید. درست است که تربیت مدرس یک دانشگاه ملی، یعنی نیروی متخصص برای کل کشور، پرورش می دهد. اما دانشگاه تربیت مدرس، بخشی از وجدان اجتماعی اش این است که نسبت به وضعیت تهران، حساس باشد. آبخوان تهران، اصلاً وضعیت خوبی ندارد. دانشگاه تربیت مدرس نمی تواند به همان اندازه به آبخوان تهران حساس باشد که به آبخوان فلات مرکزی ایران حساس است. بنابراین بخشی از برنامه های پژوهشی اش معطوف به وضعیت آبخوان تهران است. در آبخوان تهران مسأله ما خیلی کشاورزی نیست، زیرا آبخوان تهران، آب شرب یک پایتخت با هویت سیاسی کشور است.

پس اگر تربیت مدرس، صرفاً بر آبخوان تهران هم متمرکز شود، خیلی راه دوری نرفته، زیرا روی سرنوشت سیاسی، امنیتی و تمدن یک کشور کار می کند.

۶- مسأله آب، عمیقاً اجتماعی است. به این معنا که جنسش با نانو بیوتکنولوژی و ساخت موشک و... تفاوت می کند. اینجا شما مجبورید با مردم مواجه شوید. اینجا منظور از مردم، اتحادیه کشاورزها، تکنولوژیست هایی که تکنولوژی وارد می کنند، مردمی که از موضع دینی به مسأله آب می پردازند و... است.

این موضوع را من برای اولین بار در دانشگاه NMU استرالیا دیدم. یک تیمی از آن دانشگاه آمده بودند به دانشگاه صنعتی شریف. توضیح دادند که ما در ایالتی زندگی می کنیم که اصلی ترین مسأله اش آب است و ما یک اعلامیه Social Engagement در صفحه اول سایت دانشگاه داریم که گفته ایم دانشگاه ما به چه چیزی می پردازد و این مسئولیت ماست در قبال مسأله آب در ایالت. جالب بود که از رشته های مختلف نظیر اقتصاد، علوم اجتماعی، آب و ... همه یک مأموریت مشترک داشتند به نام "مسأله آب" و می گفتند دانشجویی که در این دانشگاه پرورش پیدا می کند، حتی نگاهش به آب، با دانشجویی که در یک ایالت دیگر در استرالیا زندگی می کند، تفاوت دارد.

به این ترتیب سازو کارهای اطلاع رسانی، رویه های تشویق اساتید، ارتقاء و سهمشان در عمومی کردن دانش، حائز اهمیت است. بطور مثال شما وقتی موشک را تولید می کنید، احتیاجی به این ندارید که دانش را عمومی کنید (Publicizing knowledge). برخی از دانش ها ارزش تجاری دارند، بنابراین شما اصلاً نیاز به عمومی سازی آن ندارید، اما در حوزه آب، اگر عمومی نشود، اصلاً رفرنس (reference) ندارید و به آن رجوع نمی شود و مورد اعتماد واقع نمی شود. در جهان، یکی از معیارهایی که با آن اندیشکده ها را مورد رتبه بندی (ranking) قرار می دهند این است که در یک سال، رسانه های معتبر دنیا، چقدر به تحقیقات آن اندیشکده ارجاع (reference) می دهند. یعنی در عرصه رسانه های آمریکایی، مهم این است که در سیاست خارجی، چقدر می گویند اندیشکده امریکن اینترست (American interest)، این حرف را زده و چقدر اندیشکده بروکنیز فلان حرف را زده و این مهم است که چقدر رسانه های دنیا ما را Cite می کنند و می گویند محققان دانشگاه تربیت مدرس به چنان نتیجه ای رسیدند و ... به این ترتیب، ما تبدیل می شویم به یک نقطه مرجع که حرفمان می تواند اعتماد ایجاد کند و در بازه تعریف مساله نقش داشته باشیم. بنابراین دانشگاه حتماً باید یک راهبرد اعتماد سازی داشته باشد. بنابراین یک برندسازی (Brand Making) و یک اعتمادسازی (Trust building) باید بخشی از برنامه های دانشگاه باشد برای مدیریت این قبیل مسائل. دانشگاه به این معنا تلاش می کند که با ذی نفعان از زوایای مختلف، ارتباط بگیرد و وارد کسب مرجعیت شود. بنابراین هر زمان دانشگاه تربیت مدرس به یک نقطه ای رسید که rank گذاشت و برایش مهم بود که در رسانه ها بین المللی، چند بار به تحقیقات پژوهشی اش مرجع و استناد داده می شود، یعنی یک پله به سمت جلب اعتماد عمومی، فراتر رفته است.

مسائلی از جنس آب که بین نسلی هستند، (اینجا مفهوم بین نسلی بودن مسأله آب، مهم می شود) به این معناست که شما هم باید بطور بین نسلی با آن درگیر شوید. ما باید دو نسل نیرو تربیت کنیم: ۱- راویان تخصصی مساله آب ۲- راویان عمومی مساله آب

راوی تخصصی یعنی هیدرولوژیست ها، یعنی کسی که در حوزه جامعه شناسی آب، کار می کند، یعنی کسی که دارد در حوزه اقلیم شناسی آب کار می کند و اینها روایت تخصصی خود را از مساله آب به جامعه می دهند. این راویان، در نسل بعدی مدیریتی کشور، جایگاه تصمیم گیری رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس دانشگاه و مرکز تخصصی و اندیشکده را می گیرند. اینها باید راوی نگاه دانشگاه تربیت مدرس به مساله آب باشند. کنار این، ما راویان عمومی هم باید داشته باشیم. هر دانشجویی که وارد دانشگاه تربیت مدرس یا هر دانشگاه دیگری می شود وقتی از دانشگاه بیرون می رود، بایستی راوی نگاه دانشگاه به مساله آب باشد. از این جهت، من روی یک مفهومی تأکید می کنم به نام « دانشگاه حساس به آب ». (Water sensitive university). چنین دانشگاهی باید طراحی صحنه زیبایی های دانشگاه را خوش منظر کند. یعنی طراحی که مبتنی بر استفاده کم و بجا از آب است.

دانشگاهی که در آن سیستم بازچرخانی آب، وجود دارد، دانشگاهی که کنترل پساب آزمایشگاهها روی آن انجام می شود. آیا مواد شیمیایی که در آزمایشگاه های تربیت مدرس، استفاده می شود، به چاه ریخته می شود و وارد آبخوان تهران می شود یا نه... تصفیه می شود و دانشجو یاد می گیرد نسبت به آب حساس باشد؟ آیا دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاهی است که وقتی وارد آن می شوید همه شیرهای آب آن چکه می کنند! یا دانشگاهی است که همه شیرهای آب آن سالمند و همه شیرها، کاهنده های مصرف دارند؟

صرف نظر از اینکه این دانشجو متخصص آب می شود یا نه، دانشجویی است که حساس بودن به آب، را در دانشگاه یاد می گیرد. ویژگی دیگر چنین دانشگاهی که آب را به عنوان یک مساله بین رشته ای تعریف و تأکید کرده، بنابراین مدیران گروه جامعه شناسی با گروه تاریخ با گروه علوم سیاسی و سازه های آبی آن، کنار یکدیگر برنامه های مشترک پژوهشی و میان رشته ای تعریف می کنند. چنین دانشگاهی با این مشخصات، از منظر مسئولیت اجتماعی وارد یک شبکه سیاستی هم می شود. (Policy network) همه سازمانها نظیر مجلس، مرکز پژوهشهای مجلس، مرکز تحقیقات های کشور و ... همه در تولید یک سیاست در قبال مساله آب سهم دارند.

بالاخره همه اینها با هم کار کردند که « آبیاری تحت فشار » تبدیل شد به اولویت اول مقابله با مساله کم آبی در ایران. اما دانشگاه چقدر در Policy networker سهم است؟

یعنی دانشگاه به غیر از اینکه مقاله تولید می کند، به غیر از اینکه کتاب می نویسد، در مسیر Public کردن، از مسیر ورود به Policy network ها سعی می کند روی Policy ها اثر بگذارد. من و آقای دکتر مرید، یک تجربه مشترک در این باره داریم و ۲ مورد همایش یک روزه برگزار کردیم که موضوع آنها، درباره سیستمهای آبیاری تحت فشار و اثر آنها بر کاهش مصرف آب بود. این گزارش را با دوسال پیگیری بالاخره تا بالاترین سطوح سیاستی بردیم که حداقل مشخص شود. آن تصویری که سیستمهای آبیاری تحت فشار در مورد کاهش مصرف آب در آنها هست، وجود خارجی ندارد. به همین ترتیب، یک تجربه ای دیگر در مورد مساله امنیت غذایی و برنامه ششم داشتیم، آن هم

این بود که دانشگاه صرفنظر از افرادش، باید یک جهت گیری (Orientation) جدی باید داشته باشد به سمت اینکه این شبکه های سیاستی را تحت تاثیر قرار می دهد.

اگر با این رویکرد، به مساله آب نگاه کنیم (که عمدتاً هنجاری است)، می توانیم بگوییم که دانشگاه از منظر مسئولیت اجتماعی، باید یک بازساختاردهی کند. (Restructure)، در گروه های آموزشی اش، رشته های تحصیلی اش، دروس اش و برنامه های پژوهشی اش. اگر دانشگاه واقعاً مساله اش « آب » است، آن را وارد هسته مرکزی نگاهش به مسائل جامعه ایران کند.

سخنرانی آقای دکتر مظاهری: عضو هیأت علمی گروه سازه های آبی دانشکده کشاورزی

موضوع: تحلیل کارشناسی سیلاب های اخیر در کشور

من صحبت خود را با ۳ سوال آغاز می کنم: ۱- چه عواملی باعث تشدید خسارات سیلهای اخیر در کشور شده اند؟

۲- آیا جلوگیری از این خسارات امکان پذیر بود؟ ۳- نقش دانشگاه ها در این امر چیست؟

ما ۷ محور را به عنوان عوامل مهم قابل توجه در سیل های اخیر طبقه بندی کرده ایم: ۱- بارندگی های بسیار کم سابقه ۲- عدم آمادگی مسئولین امر و غافل گیر شدن ۳- پیش بینی های فصلی سازمان هواشناسی ۴- مدیریت مخازن سدها ۵- اقدامات سازه ای و غیر سازه ای کنترل سیلاب ۶- موضوع بستر و حریم رودخانه ها

۷- ملاحظات فنی نامطلوب زیرساخت های شهری و بین شهری

لازم است این توضیح را بدهم که "سال آبی" با سال معمولی تفاوت دارد. سال آبی را از اول مهرماه هر سال تا آخر شهریور سال بعد میگویند که مشابه سال تحصیلی می باشد. به طور متوسط هر سال باید ۱۹۹ میلی متر به صورت نرمال بارندگی در کشور داشته باشیم. در سال آبی جاری (یعنی از یک مهر تا ۲۰ فروردین) با بارندگی های شدیدی که داشتیم، ۲۹۰ میلی متر بارندگی داشتیم یعنی ۴۶٪ بیشتر از حد نرمال و متوسط. همین امر موجب شده ۵۱ میلیارد متر مکعب، آب در سدها جاری شود. از این مقدار، ۳۳ میلیارد متر مکعب را به خارج از سدها روانه کردیم و ۱۸ میلیارد متر مکعب را در سدها ذخیره کردیم. در نتیجه تا ۲۰ فروردین، ما ۷۶٪، مخازن سدهای کشورمان پر شده اند که آمار بی سابقه ای است. در بارندگی های بی سابقه اخیر کشور، بعضاً بعضی از استان ها در یک روز به اندازه یک پنجم متوسط بارندگی های سالانه خود، بارندگی داشتند.

مورد بعد که همه به آن اذعان دارید، این است که مسئولین در این بارندگی های اخیر، غافلگیر شدند و آمادگی نداشتند، زیرا کشور ما دچار خشکسالی است. نتیجه این است که ذهنیت مدیران و مسئولین براساس خشکسالی شکل

می گیرد. براساس شاخص های خشکسالی، استان های زیادی از جمله گلستان و خوزستان دچار خشکسالی شده بودند. نکته اینجاست که طی ۵۰ سال اخیر، پارسال، خشک ترین سال، بوده و امسال، پرآب ترین سال در ۵۰ سال اخیر بوده یعنی این دو سال، پشت سر هم قرار گرفتند.

مورد بعد، پیش بینی های سازمان هواشناسی است که دو نوع پیش بینی را انجام می دهد. یک، پیش بینی کوتاه مدت که ۷، ۸ روزه است و یک پیش بینی فصلی که ۳ ماه اعتبار دارد. از پاییز پارسال، سازمان هواشناسی، سه پیش بینی صادر کرده بود که یکی برای آذر و دی و بهمن پارسال بود، یکی برای بهمن و اسفند و فروردین و آخری برای فروردین و اردیبهشت و خرداد. من آمدم پیش بینی های مربوط به سه استان سیل زده مهم و درگیر سیلاب های اخیر را در این سه بازه، استخراج کردم. در این پیش بینی ها، تا ۲۰٪ خطا وجود داشته. یعنی بارندگی ها کاملاً نرمال پیش بینی شده و عملاً بارندگی ها تا ۲۲٪ غیر نرمال دیده شده. در نتیجه این امر نیز کاملاً در خطای استراتژیکی که اتفاق افتاده، تأثیر داشته است.

بحث دیگر، مدیریت مخازن سدها است. سد گلستان و وشمگیر در ۲۹ بهمن ۹۷، تا صد درصد پر شده اند. یعنی به مدت یک ماه این سدها ۱۰۰٪ پر بوده اند و هیچ تلاشی برای کم کردن آنها نشده است. سد کرخه در جنوب نیز تا نیمه اول بهمن ۹۷، تا ۸۰٪ پر از آب بوده و تا ۴ فروردین ۹۸ که سیل های خوزستان اتفاق می افتد، هیچ تلاشی برای خالی کردن سد نشده. می توان اینطور نتیجه گیری کرد که خشکسالی هایی که قبلاً بوده و پیش بینی هایی که اشتباه بوده، باعث می شود که انگیزه ذخیره سازی آب در سدها تقویت می شود. خود مسئولین نیز گفته اند اینقدر حجم سیل بالا بوده که حجم مخازن سد ما، کفایت این حجم از آب را نمی کرده.

از صحبت های اشاره شده، چند نتیجه گیری می توان کرد:

- (۱) وقوع سیل ها اجتناب ناپذیر بود و حتماً خسارت به بار می آمد اما نکته اینجاست که تا حد می توانستیم جلوگیری کنیم از شدت خسارات.
- (۲) خشکسالی ها، انگیزه در جهت ذخیره سازی بیشتر آب و غافلگیر شدن. یعنی اینقدر سدها تا لب آن، پر شده بودند که ما حتی آمادگی سیل های خیلی کوچک تر از این هم نداشتیم.
- (۳) پیش بینی های فصلی به شدت اشتباه و به تبع آن مدیریت نامطلوب مخازن سدها
- (۴) عدم تجربه گیری از سیل های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ گلستان
- (۵) لایروبی نکردن و عملکرد ضعیف دستگاه هادر این امر- لایروبی، ۳۰ تا ۵۰ درصد می تواند وضعیت را بهبود بخشد
- (۶) اقدامات بسیار ضعیف سازه ای
- (۷) اقدامات بسیار ضعیف آبخیزداری- در سیل های لرستان و خوزستان، بالای ۵۰٪ دیوارهای حفاظتی سیل فرو ریخته.

۸) اقدامات بسیار ضعیف غیر سازه ای که بیشتر نرم افزاری و مدیریتی است (مانند بیمه سیل و سامانه یکپارچه پیش بینی سیل)

سامانه یکپارچه پیش بینی سیل که الان نسل ۴ آن در دنیا روی کار آمده، داده را از طریق سنسورها می گیرد، ارتباط می گیرد، پیش بینی می کند، اطلاع رسانی، تصمیم گیری و هماهنگی می کند و نهایت اقدام لازم را انجام می دهد. در واقع زنجیره مهمی از فرآیندها و واکنش هاست که وابسته به طیف وسیعی از تخصص ها و رشته هاست که در این مورد هم ما عملکردی از سوی مسئولین در سیل های اخیر ندیدیم.

۹) موضوع مهمی که شدیداً به تشدید خسارات، دامن می زند، موضوع بستر حریم رودخانه هاست. ساخت و سازهای مردم و دولت در حریم و بستر رودخانه ها، به گونه ای مشکل ساز شده است که در سیل های اخیر، آمار نشان می دهد در ۳ استان درگیر (گلستان، لرستان و خوزستان)، سرجمع حدود ۲۵۰۰ هکتار، در بستر و حریم رودخانه ها ساخت و ساز اجام شده. معلوم است وقتی سیل بیاید، در این شرایط آسیب می زند.

۱۰) ملاحظات فنی نامطلوب زیرساخت های شهری و بین شهری، عامل مهم دیگری است که مورد توجه قرار نگرفته است. نشیر تخریب سازه های حفاظتی، تخریب پل ها و جاده ها، جانمایی نامطلوب خط راه آهن، شبکه جمع آوری آب های سطحی شهری، شبکه فاضلاب شهری و...

در مجموع در سیل هی اخیر، چیزی حدود ۲۷۴۵۰۰ میلیارد ریال، خسارت به بخش های مختلف صنعتی، کشاورزی، حمل و نقل، ارتباطات، آب و برق و گاز و... وارد شده (بجز بخش مسکن)

در پایان، بنده به آخرین سوال که نقش دانشگاه ها در این حوزه است، اشاره می کنم. تقریباً می توان گفت ظرفیت خیلی از این بحث ها در دستگاه های اجرایی وجود ندارد.

۱- موضوع سیل، شدیداً چند تخصصی است: از قبل از بحران- درین بحران و پس از بحران
۲- سیاست گذاری های مرتبط با سیل: ما یک قانون نداریم که در آن، حتی یک ماده راجع به سیل چیزی گفته باشد. بایستی قوانین، آیین نامه ها، طرح جامع مدیریت سیل و نظام نامه مدیریت سیل در دانشگاه ها نوشته شوند و اجرایی گردند.

۳- پوشش دادن ضعف های علمی، تحقیقاتی و فنی دستگاه های مدیریتی و اجرایی
۴- پاسخ به سوالات چالش برانگیز: نظیر این سوال که آیا سیل های اخیر بخاطر تغییر اقلیم بوده است؟ من تحقیق و بررسی زیادی کردم تا به یک مقاله از مجله Nature رسیدم که در آن مقاله چند مورد از پدیده های حدی اقلیمی نظیر سیل بسیار زیاد، خشکسالی شدید، موج گرما، طوفان و... را به عنوان پایگاه انتخاب کرده و بررسی های خیلی جامع و دقیقی کرده بود از اینکه چند مورد از اینها "انسان ساخت" بوده اند

(متأثر از فعالیت های انسانی) و چند مورد طبیعی بوده اند. نتیجه این تحقیق در مورد واقعه سیل نشان داد که از ۳۹ سیلی که رخ داده، ۲۲ مورد انسان ساخت و متأثر از فعالیت های انسانی بوده اند و تنها ۱۷ مورد، طبیعی بوده اند. پس خیلی راحت نمی توان گفت که این رخدادها بخاطر تغییر اقلیم بوده اند.

سوال چالشی بعدی راجع به دوره های خشکسالی و ترسالی ست. به طوری که عده ای می گویند دیگر دوره های خشکسالی ایران به سر رسیده است. در صورتی که اصلاً قابل پیش بینی و تفکیک نیستند این دوره ها. مانند ابر سیل ۲۰۱۰ پاکستان که پس از آن، این کشور هنوز دچار خشکسالی ست. سوال بعدی دیگر، در زمینه سدسازی است. که آیا ساختن سد، مثبت و تأثیرگذار است یا خیر؟ این هم خیلی دقیق نمی توان اظهارنظر کرد. در پایان، جمع بندی نهایی عرایض بنده به اینجا ختم می شود که پاسخ این سوالات، در دانشگاهها و دستگاه های اجرایی و بدنه علمی و تحقیقاتی کشور است.

سفیرانی دبیر گردهمایی: آقای دکتر مینایی

امروزه، تقریباً همکاران محترم به نوعی با آب و بحران های مربوط به آب، در ارتباط هستند. حدود ۱۷ سال است که گردهمایی مدیران گروه ها بصورت مرتب در حال برگزاری است. در چند سال اخیر، سعی بر این شده است که گردهمایی مدیران گروه ها به مسائل و چالش های مرتبط با جامعه بپردازد و در واقع رسالت دانشگاهها به این سمت رفته است، حتی در برخی نظامهای رتبه بندی جهانی، شاهد هستیم که علاوه بر شاخص های علمی، آموزشی و پژوهشی و نقشی که دانشگاهها در این زمینه باید ایفا بکنند، شاخص هایی را نیز که به مسائل جامعه و محیط زیست و منابع طبیعی مرتبط هستند را هم در نظر گرفته اند. به همین دلیل، این موضوع در دستور کار جلسه امروز ما نیز قرار گرفت.

مدیریت بحران های ملی، ابعاد مختلفی دارد که بخش هایی از آن مرتبط با ستاد مدیریت بحران می شود. در ایران، معمولاً با بحران هایی نظیر سیل و زلزله و موارد مشابه مواجه هستیم. وقتی بحران در کشوری پیش می آید، یکی از نخستین کارها این است که دانشگاهها را درگیر مطالعات مربوط به آن بحران می کنند به عبارتی اولاً همان بحران خاص را بررسی کرده و ثانیاً برای آینده برنامه ریزی کنند که چطور از وقوع چنین بحران هایی جلوگیری کنند یا چه برنامه ریزی هایی نیاز است که از قبل انجام شود.

در ایران تاکنون به این شکل مرسوم نبوده است و به ندرت این اتفاق می افتاد ولی پس از حادثه پلاسکو با تمامی ابعاد و فجایع آن که فکر همه را به خود مشغول کرده بود، دولت تصمیم گرفت از دانشگاه تربیت مدرس بخواهد که وارد قضیه شود و یک مطالعه جامعی را انجام دهد و گزارش تهیه کند که رئیس دانشگاه مسئولیت آن را بر عهده

داشتند و به اذعان صاحب‌نظران، یک گزارش جامع، بی‌طرفانه و کاملی استخراج شده که می‌تواند برای مدیریت چنین مواردی استفاده شود.

بحران یا مساله آب در کشور ما، هم بحث کمبود آب است هم بحث زیاد بودن آب، که سیلاب است و عزیزان در موردش صحبت خواهند کرد. اخیراً مشاهده شده دانشگاه‌های دیگر نیز در این زمینه فعال شده‌اند. مانند دانشگاه شهید چمران که گزارش مفصلی را ارسال کرده بودند از اقداماتی که در خصوص مدیریت سیلاب، می‌توان انجام داد.

سخنرانی آقای دکتر امدی: رئیس متمرکز دانشگاه

همانطور که دکتر مینایی مطرح کردند، دستورالعمل حل مشکلات جامعه، یکی از محورها و اولویت‌های مهم دانشگاه است در راستای خرد جمعی. در فعالیتهای آینده دانشگاه، حل مسائل جامعه باید به عنوان یک وظیفه برای همه دانشگاهیان تعریف شود. مطالعات طرح راهبردی در دانشگاه انجام شده و اتفاقات و رخداد‌های اخیر کشور در این زمینه توجیه امر را مشخصاً تبیین کرده است. ارائه این قبیل خدمات به جامعه، مسئولیت اصلی معاونت آموزشی و مدیریت برنامه‌ریزی می‌باشد. همه می‌دانیم که مسائل امروز جامعه خیلی پیچیده تر از مسائل دهه‌های گذشته است. بحث های اقتصادی، اجتماعی، فنی، طبیعی، حوادث و بحرانها، همگی چند بعدی هستند و به هیچ وجه به صورت تک بعدی نبوده‌اند و به صورت تک بعدی هم قابل حل و فصل نیستند. در سه دهه گذشته، بدنه دولت (که از گروه کارشناسان نسبتاً خبره برخوردار بوده است)، متأسفانه بخاطر شرایط متعدد و پیچیده مدیریتی مرتب تضعیف شده ، دولت کارآمدی کارشناسی خود را آنطور که قبلاً به آن اتکا داشته از دست داده است. این بحثی است که در سازمان برنامه و بسیاری از وزارت خانه های فنی کشور رخ داده است. تصمیم سازی در حکومت و در دولت، بسیار شرایط متفاوتی با دهه‌های گذشته دارد. بسیاری از نخبگان توانمند و متخصصین به بخش خصوصی کوچ کردند. لذا متخصصان کلاسیک نمی‌توانند مسائلی را که چند بعدی و چند رشته‌ای هستند را حل کنند و حتی متخصصان کلاسیک نیز در بدنه دولت تضعیف شده اند، لذا تصمیم سازی برای حل این مسائل، فوق‌العاده دچار چالش شده است. تصمیمات، خیلی اوقات تصمیمات عمیق نبوده و چاره ساز یک آینده روشن و فکر شده نیست. البته دولتمردان و وزیران محترم، خودشان افراد توانمند و نخبه‌ای هستند و در حدی که مقدر و باشد از خودشان مایه می‌گذارند.

از سال گذشته جلساتی از سوی دولت محترم برگزار شد و درخواست داشتند که دانشگاه‌ها در حل و فصل مسائل پیچیده جامعه باید به ما (دولت) کمک کنند. این موضوع به عنوان باب جدیدی در تعامل دانشگاه - دولت و دانشگاه و جامعه تلقی شد. البته قبل از آن، یک رویکردهایی تا حدی پراکنده اما اثر بخش نیز از سوی دولت شاهد بودیم مانند

بحث «حادثه پلاسکو» که به دانشگاه اعتماد کرد و دانشگاه را امین دانستند و در حل و کاهش این بحران و معضل ملی از دانشگاه یاری گرفتند تا خط مشی و چراغ هدایتی برای همه شود.

دوستان بدانید که بجز تلاش و کمکی که شما محققین و دانشجویان شما و گروههای تحقیقاتی شما، می‌توانند برای حل مشکلات کشور بکنند ما به کسی دیگر امید نداریم. راهکارها باید از طریق دانشگاهیان و با یک مسئولیت پذیری و نگاه مجدد به رسالتشان، حل و فصل شود. باید از حالت برج عاج نشینی و تافته جدا بافته و جدا از جامعه بودن، بیرون بیاییم و مردمی تر شویم. ما بایستی تیم های تحقیقاتی تشکیل دهیم، گروه های بین رشته ای تشکیل دهیم و برای آینده کشور و فرزندان خودمان، مسیر مطمئنی را هموار کنیم. بخشی از این مسائل به بحران آب، بحران محیط زیست و بحران سرمایه اجتماعی و مرجعیت جوانان برای امید به آینده زندگیشان برمی گردد.

در این جلسه با سخنرانی دو تن از بزرگان، مسأله به طور گسترده تر تبیین خواهد شد. دانشگاه‌ها می‌توانند در اصلاح آیین نامه ترفیع (در آینده ای نزدیک)، وزن قابل توجهی را به فعالیت های اجتماعی، خدمت به جامعه و ... اختصاص دهند.

فعالیت های اساتید محترم دانشگاه از منظر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... جنبه تشویقی و پشتیبانی قابل توجهی می‌تواند داشته باشد و در این زمینه فعالیت هایی آغاز شده و قابل تصحیح هم هست. پیش نویس اولیه آن در اختیار شما قرار می‌گیرد و ان شالله نظرات اصلاحی خوبی مطرح کنیم. امیدوارم دانشگاه تربیت مدرس نه در ابعاد آکادمیک بلکه در ابعاد کلاسیک قبلی، در زمینه کارآفرینی، در زمینه خدمت به جامعه، در زمینه فناوری و ... در راه حل مشکلات کشور، قدم های موثری بردارد. حتی در حوزه تعامل بین المللی، استفاده از تجربیات جهانی، فرصت های بین المللی، یک دانشگاه سرآمد و نمونه بشود. همانطور که تاکنون در زمینه پژوهشی از افتخارات کشور بوده است. من بار ها عرض کردم که کارنامه پژوهشی برجسته کشور، مدیون جسارت و کوشش دانشگاه تربیت مدرس در دهه ۶۰ است که باب تحصیلات تکمیلی را با جسارت و شجاعت برای همه باز کرده و رقابت بین المللی را خیلی سال پیش آغاز کرد تا در دهه ۷۰ و اواخر آن یک فرهنگ عمومی در دانشگاه شد و رشته های تحصیلات تکمیلی در همه جا فراگیر شد و برخی از موسسات نیز وارد این حوزه شدند. من امیدوارم در بحث بحران های ملی نیز بتوانیم قدم های محکم تری برداریم. موضوع پلاسکو یک الگوی موفق بود و این الگو مرتب مورد استناد دانشگاه های مختلف قرار گرفت و خوشبختانه دولت دارد این موضوع را در مقیاس بزرگتر مانند سیلاب، سرمایه های اجتماعی و ... تکرار می‌کند. اعتقاد دارم تربیت مدرس اثرگذاری ملی خود را می‌تواند بیش از پیش توسعه دهد. همانطور که الگو های بسیار خوبی در این زمینه وجود دارد.